پرچم

۱. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

ناشراندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره (چهار دهم) دوشنبه ۲۰ جوزا - ۱۳۴۷ ه - ۱۰ جون ۱۹۶۸ ع

استیضاح وکیل فیضان الحق فیضان از حکومت

در مورد مسایل حاد اجتماعی وخواستهای مبرم خلق کارگر کشور

درجلسه استیضاح سه‌شنبه ۱۴جوزای ولسی جرگه

موضوع استیضاح من پیوست به استیضاح دکتور اناهیتا، وکیل ببرک کارمل ووکیل نوراحمد اعضای فرکسیون دموکراتیک خلق، از حکومت، عبارت است از مسایل حاد اجتماعی‌زیرین که خواست مبرم‌روز خلق کارگر کشور ما را تشکیل میدهد.

وطن محبوب ما افغانستان پنجاه سال قبل به استقلال سیاسی رسیده ولی ازآن‌تاریخ‌تاکنون‌جنبش‌آزادی بخش ملی خلقهای افغانستان نتوانست به پیروزی نهایی برسد و به‌استقلال‌اقتصادی ورشددموکراسی وترقی اجتماعی نایل آید.

طی پنجاه‌سال استقلال، جنبشهای رهایی بخش‌ما، به مقصدتامین‌آزادی های وسیع‌دموکراتیک، ترقی اجتماعی ورفاه، بنابر نقشه‌های خائنانهٔ‌نیروهای ارتجاعی، استبدادی واستعمار امپریالیستی باشکستهای هولناک وقربانیهای بسیار زیاد مردم زحمتکش کشور ما مواجه گردیده است. و همچنین توده های عظیم مردم افغانستان اعم از کارگران، دهقانان، پیشه‌وران وسایرزحمتکشان شهر وده از نظر اقتصادی وسیاسی وفرهنگی، تحت ظلم و ستمگری و استثمار طبقات حاکمهٔ کشور در شرایط اختناق آوری به اصطلاح «حیات» بسر میبرند.

سطح عواید و مصارف زندگی توده های مردم ما پائینترین سویهٔ حیات در جهان است. نارضایی مردم از شرایط دشوار زندگی روز بروز غیرقابل تحمل‌میشود،طوریکه‌نهضت های صنفی وملی جاری کشور مظهر گویای آن است.

به عقیدهٔ ما تطبیق امور اجتماعی ذیل یکی از اهم مسایل روز درزمینه بهبود حیات اجتماعی خلق کارگر وطن ما بشمار میرود.

- باید هرچه زودتر باساس اصل حق کار برای تمام افراد مستعدبکار باتعیین حد اقل دستمزد که رفع احتیاجات ضروری، مادی و معنوی آنهارا کرده بتواند، کار تهیه گردد وعلیه هیولای وحشتناک بیکاری مبارزه صورت گیرد.
- باید شرایط مساعد کارومصونیت کارگران تامین گردد.
- باید قانون ۴۴ ساعت کار در هفته برای صنوف مختلف کارگران وتقلیل‌باز هم بیشتر ساعت کار در شعبه هائیکه شرایط کار دشوار تر میباشد وکارگران را از لحاظ روحی وجسمی صدمه میزند، هرچه زودتر وضع ومورد تطبیق قرار گیرد.
- حق استراحت‌ورخصتیهای همه ساله، توام با دستمزد برای کارگران تامین گردد.
- باید بیمه های صحی واجتماعی برای کارگران، چه‌در سنین پیری و چه در شرایط معیوب شدن ناشی از حوادث کار وبیماری، بوجود آید.
- باید کار اطفالیکه سن شان از پانزده سال کمتر باشد، منع قرار داده‌شود و برای کارگرانیکه سن‌آنها بین پانزده وهجده است،روزکارباید تاچهار ساعت پائین آورده شود.
- باید حق تشکیل اتحادیه های صنفی وکارگری، حق اجتماعات و اعتصابات مسالمت آمیز وانعقادقرار دادهای دستجمعی‌زحمتکشان کشور برسمیت‌شناخته‌شود وتحت‌مصونیت اجتماعی وسیاسی قرار گیرد.
- باید محاکم بیطرف برای حل اختلافات میان کارگران وکارفرمایان بر مبنای تطبیق درست قانون کار تشکیل گردد.
- وضع وتطبیق جدی قوانین دموکراتیک و مترقی بر مبنای اصلاحات دموکراتیک ارضی وحل بنیادی مسالهٔ زمین که‌تمام نظامات پوسیده و فرتوت موسسات قرون وسطائی را ملغی قرار دهد،استثمار وستم وفقر دهقانان زحمتکش را از ریشه محو سازد، ضرورت زمان ماست.
- برای نجات‌فوری‌دهقانان کوچک ونیم سط اجاره داران و دهقانان از گرو داری، قرضداری توام با سود های فاحش، بیگاری و دیگر عوارض وتکالیف قرون‌وسطائی وسودخواران شهروده قوانین دموکراتیک وضع و جدا مورد تطبیق قرار گیرد وآزادی و مصونیت دهقانان تامین گردد.
- باید هرچه زودتر مسألهٔ‌کوچیها وحیات قبیلوی در کشور به طرز دموکراتیک واسکان ومراقبت کامل آنها، تشویق ور[illegible] زراعتی‌وصنعتی‌وبهبود حیات‌اجتماعی وفرهنگی آنها حل گردد.
- باید پلانی در زمینه ساختمان منازل صحی وارزان‌قیمت در شهرها ودهات کشور طرح ومورد تطبیق قرار داده شود.
- باید کرایه ظالمانه منازل،دکانها واپارتمانها برای کرایه نشینان‌متناسب به عواید آنها پائین آورده شود.
- باید در دستگاه اداری دولت طبق مصالح عالیهٔ خلقهای کشور اصلاحات اساسی بوجود آید، وعلیهٔ تمام فساد اداری، خود سریها وبی قانونی‌ها وبی‌انضباطی‌ها، ارتشاء و شیوه های کاغذ پرانی واستبداد، مبارزهٔ‌پیگیر صورت گیرد.
- زندگی شرافتمندانهٔ معلمین، مامورین، اجیران و مستخدمین‌دولت وموسسات تامین گردد.
- باید طبق قانون، همهٔ آنانیکه به حقوق وآزادی های فردی‌واجتماعی

(ص ۳)

دکتور اناهیتا

روز بین المللی اطفال

سرنوشت رقتبار کودکان کشور ما

روز اول جون روز بین المللی اطفال است که درسال ۱۹۴۹ توسط فدراسیون دموکراتیک جهانی زنان بنیان گذاری شده‌است ودر دنیای دموکراتیک همه ساله تجلیل میشود، بر گزاری این روز امسال نیز با تشکیل جشنها ،متینگ‌ها و تظاهراتی در بارهٔ کودکان توأم بود.

اما در کشور ما روز طفل چه مفهومی دارد؟اطفال ما‌ازتیره‌روزترین کودکان جهان‌اند. وافغانستان ازجمله کشور هائیست که از لحاظ کثرت مرگ ومیر اطفال، بدرجهٔ اول قرار میگیرند. کمتر کشوری را میتوان سراغ کرد که باین پیمانه کودکانی علیل ومریض داشته باشند. کودکان معصوم ما دراکثر خانواده‌های دهاتی مانند سایر اعضای خانواده در کنار حیوانات بسر میبرند و چون امادگی بیشتری برای گرفتن مکروبها وامراض مختلف دارند، اکثریت‌آنان میمیرند وتعدادی هم ناقص، معیوب ومریض بارمیایند، درین خانواده ها اصلا داکتر ودوائی را نمیشناسند. اغلب فامیلهای شهری نیز بعلت فقر مزمن و کشنده و گرانی دوا ودرمان، کودکان خود را بدست سرنوشت میسپارند. فیصدی بیشتر اطفال ازامراض گوناگون و بخصوص توبرکلوز سخت رنج میبرند. هیچ خانواده‌ئی‌را نمیتوان یافت که‌داغهای فراوان غم از مرگ اطفال معصوم خود، بردل نداشته باشند.

حدمتوسط سن در افغانستان یکی از پائینترین ارقام را میرساند، یعنی سی سال! وعلت عمدهٔ نازل بودن آن، کثرت مرگ و میر اطفال وخاصتا کمتر از سن یکسالگی میباشد، مرگ ومیر اطفال در تمام کشور فوق‌العاده‌زیادبوده وبخصوص دردهات به رقم وحشتناک نود در صد میرسد، در حالیکه درکشور همسایه شمالی ما میزان مرگ و میر بین‌کودکان یکساله درهزار تقلیل‌یافته است.رقم‌نودفیصد‌مرگ و میر نشان میدهد که کودکان ما چه وضع اسفباری دارند.

فقر عمومی مانع رشد جسمانی کودکان ما میگردد، در حالیکه برای کودکی‌که بایددرشرایط عادی از نظر جسمی رشد نماید، واز حد اقل‌سنین متوسط عمر یک انسان بر خوردار گردد،لازم است که غذا و پوشاک کافی، مسکن صحی ودوا و دوکتور در اختیار داشته باشد، اما فقر کشنده وهلاکتبار موجب گردیده که‌اکثریت مطلق کودکان از حد اقل زندگی محروم باشند. هزاران‌طفل حتی در شهر ها، بخصوص اطفال هموطنان هزاره و پنجشیری ما، درشرایط بسیار بد، در کلبه ها وکرایه های نمناک زندگی میکنند. زندگی اطفال کوچی ماجرایی‌رقت‌انگیز است ونمیتوان نام‌آنرا زندگی گذاشت.

سر نوشتی دردناک والدین وهبار کودکان ما رادر کام خود کشیده‌است، شرایط فوق‌العاده نامساعد اقتصادی واجتماعی موجب انواع بدبختی ها برای اطفال ما میگردد، عقده های روحی فراوانی باعث تباهی زندگی ایشان میشود، آنان در هر لحظه و در هر جا از محیط فامیل گرفته تاکوچه و بازار وحتی مکتب مورد آماج کین، تحقیر، تنبیه و توهین دایمی قرار می‌گیرند.

در کشور ما کودکان اصلا در بسا از موارد بحیث موجودات صاحب حقوق‌بشمار نمی‌آیند وبادرزمینه‌های

(ص۲)

پرووکاسیون (تفتین) دشمن خطرناک نهضت است!

پرووکاسیون (تفتین) تحریک وبرانگیختن ارتجاع با چنان عملی است که او میتواند بهانه ای برای اقدام علیه جنبشهای آزادیخواهی بدست آورد که ما درینجا کوشش مینمائیم بعضی از موارد‌آنرا بصورت مختصر توضیح نمائیم:

دریک جریان مترقی ممکن است جاسوسهای دستگاه حاکمه رخنه نمایند، اینچنین اشخاص نسبت به پلیس های رسمی و هر عنصر دیگری بمراتب خطر ناکتر وبدتراند وچون روشهای تحریک آمیزی را دربیش میگیرند، دراصطلاح سیاسی میتوان‌آنهارا پرووکاتور‌ویافتنه‌انگیز نامید. پرووکاتور ها یکی از بدترین بازیگران سیاسی واجتماعی اند. مثلا تظاهراتی که درآنهانظم وانضباط کامل حکمفرما باشد، اینان‌میکوشند وضع را طوری مختل سازند تا آنرا بزیان تظاهر کنندگان وآزادی‌وبسود طبقه حاکمه پایان دهند. معمولا برای انجام‌چنین‌امری‌عده‌ئی‌ازپرووکاتورها در صفوف تظاهر کنندگان داخل میگردند و ظاهرا شعار های چپ میدهند وداد ازانقلاب میزنند، که مؤقتا مورد علاقهٔ مردم قرارمیگیرد، درحالیکه در واقعیت امر منظورشان اینست‌که باایجادبی‌نظمی‌واغتشاش جمعیت ازهدف اصلی و غایه اش منحرف گردد.

این اجیران اربابان زور وزر کوشش مینمایندکه با‌ایجادبی‌نظمی‌ها وخونریزی های بیجا، از تظاهرات واجتماعات‌وهر گونه مظاهردموکراسی و فعالیتهای سیاسی و سازمانی جلوگیری شود.

اینها مأموران خطرناک دستگاه ارتجاع وجاسوسی اند که با لباس توده ها و حرفهای چپروانه و تند، در زیر ماسک شعارهای آزادیخواهی برضد توده ها وبسود ارتجاع عمل مینمایند.

نوع دیگر پرووکاسیون، ایجاد دسته ها نیست بنام تروریست وانارشیست ویادسته های دروغین چپ نماکه ازطرف هادیان ومتولیان طبقه حاکمه تشکیل میشود. واینها دست به تبلیغات و اعمال خطرناک وتندی میزنندتاطبقه‌حاکمه راعصبانی ساخته ووادار شان نمایند که علیه آزادی به یکسلسله اعمال خطرناک دست زنند.

چنین تاکتیکی معمولا از طرف استعمارگران و دلالان سیاست استعماری نیز موردا‌جراقرار میگیرد؛

یکی دیگر از انواع پرووکاسیون تحریف و تفسیر معکوس از تئوری مترقی است. پرووکاتورها ازیکطرف تئوری علمی جدید ومترقی را تغییر شکل داده‌وبه‌آن لطمه‌میزنند وازطرف دیگر چون علاقمندان وپیروان این تئوری را میشناسند بنابران علیه ایشان اقدام مینمایند.

پرووکاتور ها در ظاهر چپ تر از چپ ها استند وشعار های شان فوق‌العاده تند وبیباک است، ولی عملا نوکر و جاسوس ارتجاع اند. بنابرین در موارد حساس وجدی همیشه باید از نفوذ چنین اشخاص جلوگیری کرد وباکمال دقت متوجه اعمال ورفتار آنان بود.

همچنان هرچه مبارزه شدید تر میشود باید روش ومتود کار را ظریفتر ودقیقتر وهوشیاری‌را بیشتر ساخت، زیرا بهراندازه که مبارزه قاطع تر شده وبه پیروزی نزدیکتر شود، بهمان اندازه پرووکاتور ها خطرناکتر و غیر قابل شناخت تر خواهند شد.

مرتجعین و کار فرمایان پیوسته در تلاش اند که از طریق عمال‌خویش درنهضت های کارگری نفوذ کرده واز ینطریق مانع پیشرفت جنبش کارگری گردند، وسایلی‌که بکاربرده میشود ارعاب، اخراج، تبعیدوتهدید کارگران وتفتین وتفرقه افگنی‌درمیان ایشان است. اما ینگونه تلاشها درمقابل نهضت سیل‌آسای کارگری چون نمیتواند تاب مقاومت بیاورد، لذا دست به دامان پرووکاتور ها میزند وآنان را میگمارد تا باچهرهٔ حق بجانب و شعار های چپروانه وانقلابی نما برزبان، داخل صفوف مبارزین گردیده‌بافتنه انگیزی‌وایجاد عدم اعتماد، تهمت زنی ودروغ‌بستن فضای مبارزه را مسموم وزهر آگین ساخته، سنگر مبارزه ونهضت را از درون منفجر کنند و جنبشهای کارگری را دچار وقفه ساخته ویأس را مستولی نمایند.

-۲-

دپښتونستان دملی آزادی نهضت دځوان مشروینا

دخان عبدالولی خان دهغې شفاهی وینا متن چه دآزادی او خپلواکی دشهیدانو دروځی په مناسبت یی دثور په ۳ دپښتونستان دولس‌دلویې مظاهری په وخت کښی کړی وه

اوکه وړور موکښې نو دوړور ولی حصه را کوی که نه را کوی؟ په منت یی درنه نه غواړو، په زاری یی درنه نه غواړو، دیرنګی نه مو په زور اخیستی ده، ستا نه به‌یی هم په زور اخلو (چك چكی).

نو به دغه حساب کتاب پوری، صدر صاحب مونږ ته دوهمه خبره داکوی‌چه موهنجودارو، تا کسیلاته وګوری. دادری دزړی زمانی تاریخی ښارونه دی، دادری ښارونه چه‌مونږ نه یادوی داخبره ثابتیږی چه مغربی پاکستان چه دی، دایو یونټ په‌هغه زمانه‌کی. وه زوروړ سره خپل پریښ کوه، تاریخ که دی‌ولوسته پدی‌پوری ونښتی - که دتاریخ قصو پوری ونښتی پاکستان به پکښی بایللی (چك چكی)، دادی څه د ماشومانو خبری شروع کړیدی. که دتاریخ‌ددی قصو پوری ونښلی، دپاکستان دپاره چه خلکودغه کړی هغه بی ددی دپاره کاوه چه به موهنجو داروکښی دادی اوبه ... کښی داخبره ده، تاکسیلا خودبدهه مذهب مرکز و. دا بدهه مذهب خودبهلی نه را روان شویدی، په‌کوم خوب ویده یی؟ چا درته تقریر لیکلی دی؟ دایی هم‌درته ندی‌ویلی؟

خبره‌دغه چه‌موږپدی دیرخوشحاله یوچه صدر صاحب نن دیو یونټ دجوړیدونه لس‌کاله پس ددی خبری ضرورت محسوس کی چه مونږ سره په دلیل خبری وکړی (!)... سمه‌ده په دلیل دی راسره خبره وکړی، خو چاسره خبره وکړو. ممبران خو چه راځی، وزیران چه راځی، تیار لیکلی کاغذونه یی ورکړی وی، غوږونه‌ټپ خبره اوری اوبه سترګوبی ورله‌ښي‌ تړلی وی «صاحب ډیره لویه ترقی شویده. ډیراستحکام پاکستان‌کړیدی اوصدر ایوب خان زنده باد» تاسو یله خبره واوریده،مونږ خوانه‌وریده. که اخبار دی همدغه خبره، که‌باینده خان دی‌هم دغه خبره ده اوکه‌وزیردی هم دغه خبره ده. خو خبره داده، دیونټ‌متعلق هغه‌ورځ قاضی‌فضل‌الله صاحب چه وزیر دی، هغه بیان ورکړیدی چه کوم سړې دمغربی پاکستان دیویونټ مخالفت کوی هغه غدار دی.

ماسره یوکاغذ پروت دی، داچه کوم دغه نه اجمل صاحب اشاره‌وکړ په‌دغه وخت‌قاضی فضل‌الله‌دریپبلیکن پارټی ممبرو اوپوازی ممبرنه و وزیر هم‌و، نوپه هاغه وخت کی یو تجویز دمغربی پاکستان په اسمبلی کی‌پیښی شوی‌و چه یونټ دی مات شی اوزړی صوبی دی بحال شی، نودی قاضی فضل‌الله داسمبلی دممبر په حیث اودیو وزیر په حیث ووټ (رایه) ورکړی دی چه یونټ دی مات شی. اوس قاضی صاحب وایی «څوک چه وایی یویونټ دی مات شی، هغه‌غدار دی». داتپوس زه اوس تاسی‌نه کوم چه قاضی صاحب پخپله څه دی؛ (خلکو ناری کړی«غدار») (چك چكی)، قاضی دوزارت اسری اخیستی دی. پرون وزارت پدی وچه یونټ دی ماتیږی اونن وزارت پدی دی‌چه‌یونټ دی قائم‌وی.دازمونږ، زمونږ(سیاسیونو) اخلاق دی، دا ددوی کردار دی او ددوی اصول دی چه دیو وزارت‌دپاره نن وایی «یونټ دی مات شی» مازیګر وایی «یونټ دی بحال وی»، پدی کسانو باندی صدر ایوب خان داملك آبادوی. پدی خوشامد ګرو باندی به دوی خانله پدی قوم کی ملګری پیداکړی؛ هوهغه به خوشامند ګر پیدا کړی، خوقوم څان سره پدی خلکو نه شی ملګری کولی. هغه که دقوم ملګرتیا غواړی په کار دی چه قوم له راشی، مخامخ ودریږی، دلته راشی اودپښتون تسلی وکړی چه بهایی (وروره) په یونټ کی تاته څه تکلیف دی. داپدی ګیري چه لګه دجیل‌خانی دلواړانو دی په چکر ګرزی اوهر وزیر دی صدر ته آواز کړی چه په ملك‌کی امن‌اوامان دی؛ دوی چه په څان پوهیږی بیابه اوبه له ورځه تیری وی. مونږ دحکومت غوږته دا خپل آواز رسول غواړو داورته وایو چه دا دسود اودزیان خبره ده. دادپښتنودحقوقو خبره‌ده. مونږ سره زیاتی کیږی. زمونږ حق خوړل کیږی اومونږ دوی سره حساب کتاب کول غواړو.

هغه ورځ زمایوملمه‌و، مونږمردان په لار باندی تلو، دمردان په‌سټیشن باندی کانی پرانه وو، وبی وی چه داکانی دلته څه کوی؟ ماوی داسنګ مرمر دی. وی داڅه کوی؟ ماوی‌داوړی کراچی ته . ماوی داکانی ګاډی ته خیژوی، بجلی هم د ملکنډنه ورته روانه کړی، مزدورهم‌ورسره دسوانه روان کړی، نو کراچی ته لاړ شی سنګ مرمر تری‌جوړ کړی. نوماته بی وییل چه هلکه مزدورهم‌دلته دی، کانی هم دلته دی، بجلی هم دلته ده، داکار خانه ولی پدی پیښور کی نه ودروی؟ ماوی جوپچه دپاکستان دښمن یی چه دا وایی.زه چه داخبره کوم، زه دښمن یم ددی ملك. چه سبا له بلوچ داخبره کوی چه زمونږ ګیس دی له سیوی نه راخلاص‌کړی دی اوپه ملتان کی دی کارخانه ورته لګولی ده، نو په «سیوی» کی ولی داکار خانه نه لګوی؟ نوهغه د ملك دښمن دی، غدار دی. که زه ورته داوایم چه ته ددی ځای نه بجلی روانه کړی دکراچی. والانه بی پدی نرخ ورکوی چاله چه یی په ملکنډکی ورکوی، نوماله دکراچی وریجی په پیښور کی ولی دکراچی په نرخ نه راکوی، چه داپوښتنه کوم نو وایی ته غدار یی (چك چكی).

که زه ورته دا وایم چه صیب نن ستاسو دفوځیانو دفارمونو ګنی‌دهغو ځمکو چه تاسو په سند کی اخیستی دی زما دګنو نه یوه روپی ګران خرڅیږی او له بلی خوا تاسی وایی چه یویونټ دی او یو حساب کتاب دی، که زه داتپوس کوم ماته وایی ته غدار یی. وزیر صاحبان اوممبران ځغی وهی چه ملك کی ډیری کارخانی جوړی شوی، مونږ ته دی وښایی‌پدی صوبه سرحدکی څوکارخانی جوړیدلی دی؟ پدی لس کاله کی دلته څه‌شوی دی؟

مونږته دی څوك یو کالج ونښیی مونږ پدی خبره نه پوهیږو چه زمونږ دیو نیورسټی څه حال دی. په نورو یو نیورسټیو څوکروړه زیات خرڅ کیږی او زمونږ یونیورسټی کال‌په‌کال دوه دری محکمی (څانګی) بندوی دپښتنو بچی‌به تعلیم‌څه کوی،هغوی څوښ چپړاسی توب به کوی .... اوبه کراچی‌کی دبویونو بالش کول.

دکالجونو او یو نیورسټی مودغه حال دی، که داورته وایوچه زمابچی پښتانه دی، په پښتو کی ورته سبق ورکړه وایی ته دملك دښمن یی،که زه وایم زمونږ یونیورسټی لویه کړه دوی وایی‌ته دملك دښمن یی. وزیر صاحبان راځی خونه وایی‌چه خلکوته څه تکلیف دی، دملك ترقی شویده که نه؟ تاسو په ایمانداریء ووایی‌ء چه دومره ترقی چه رشوت کړیده. تاسودابه خپل عمرکی اوریدلی وه؟ ترقی شویده‌خوپه رشوت کی‌شویده. پدی بازارونوکی‌څه حال‌دی، داقتلونه اوډاکی وګوریء هغوی پښتانه پری اینښی دی‌چه یودبل په غوښو اخته وی. ما ستاسو به خدمت کی داعرض کاوه چه ترقی شویده خو د سر کاری محکمو به

(۴ مخ)

پرچم

۱. عمر فیض - کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

د افغانستان د خلق دموکراتیک افکارو خپرونکی

مطالبات کارگران شجاع سپین زر

و تظاهرات شاگردان دارالمعلمین ولیسهٔ شیر خان در کندز

خبریال پرچم ازکندز اطلاع میدهد که طلاب‌دارالمعلمین وشاگردان‌لیسهٔ شیرخان بخاطر پشتیبانی از جنبش کارگران بروز ۱۳ جوزا درخیابانهای شهر کندز دست بمظاهره زدند. شاگردان ضمن مظاهره نفاق‌افگنان بین صفوف طلاب را افشا کردندوبخاطر همبستگی واتحاد شعار ها دادند.

خبریال می افزاید که تظاهرات‌شاگردان بروز ۱۲ جوزا نیز ادامه پیدا کرد. مظاهرات در روز دوم خودازطرف گروه بزرگی از زحمتکشان واهالی شهر استقبال شد و بیانیه دهندگان عده‌ئی‌ازماموران‌رشوه‌ستان وستمگران محلی را افشا نمودند. قرار معلوم پولیس وژاندارم کندز که مظاهره‌را تحت مراقبت گرفته بودند،چهار تن از تظاهر کنندگانرا خلاف قانون برای سه ساعت توقیف نمودند.

بدنبال این تظاهرات‌همهمه جنبش کارگران و ماموران پائین رتبه سپین‌زر ظاهر شد وکارگران بتدارك مقدمات یك اعتصاب پرداختند. و خواستهای خود را بریاست سپین زر شرکت سپردند.

خبر میرساند که مقامات اداری سپین زر شرکت مجبور شدند که قبل ازمواجه شدن بااعتصاب کارگران روی مطالبات ایشان برای بحث وفیصله حاضر شوند. قرار معلوم بروز ۱۴ جوزا یك هیات شش‌نفری نمایندگان کارگران سپین‌زر شرکت جهت مفاهمه با کارفرمایان شرکت بکابل مواصلت کرد. قرار اطلاع خبریال پرچم، نمایندگان این هیات مردان وفادار به همصنفان کارگر خویش، تطمیع ناپذیر، اما فداکاروصدیق استند وبادلیری وتدبیر عمل‌میکنند. تاکنون که این خبر دردست تحریر است، نتایج نهایی مذاکرات نمایندگان کارگران بامقام صلاحیتدار شرکت سپین‌زر و کار فرمایان بدست نیامده است. مواد مطالبات کارگران سپین زر ... خواستهای ایشان قرار آتی است:

«بمقام‌محترم‌ریاست‌سپین‌زر شرکت!

شرایط هشت ساعت کاربرمشقت عقب ماشین های پراز گرد و خاك وشدت حرارت ووضع کنونی قیمت اشیای از تراقی بر تنقیص معاشات و امتیازات مادی و معنوی و روحی وجسمی مایان قوس صعودی را می‌پیماید. ناگزیر است مواد ذیل را بعرض رسانیده توجه اولیای امور موسسه را یك بار دیگر در حال وزندگی خود معطوف سازیم .

۱- برای کارگرانی که کوپراتیف ندارند کوپراتیف‌داده‌شود. کوپراتیف جنس داده شود،اگر نقد داده‌میشود کمافی‌السابق مطابق قیمت روزبازار تادیه شود ، نه به قسم ستندرد موجوده .

۲- کارگران فابریکه ذخیره‌خودرا بامفاد ازنزد شرکت تقاضا دارند. درعالم محرومیت ازکار تقاعد را حق مسلم خود میدانند .

۳- معاش کارگران بدون چوکات رتبه ازروی لیاقت وسابقه کارشان بادرنظر گرفتن حد اوسط مصرف یك فامیل هفت نفری تعیین گردد .

۴- روز های پنجشنبه در تمام دوایر دولتی و موسسات تصدی حاضری الی ۱۲ بجه بوده ، اما درموسسه سپین زر حسب‌الخواهش کار فرمایان طبق دیگر روز هاهشت ساعت کار است. باید این تبعیض برداشته شده ، روز های پنجشنبه حاضری الی ۱۲ بجه باشد .

۵- رخصتی تفریحی ، ضروری ومریضی مجموعا سالانه هفتاد روز بوده ۲۰ روز رخصتی ضروری روی کدام‌اسناد ودلیل برای کارکنان وکارگران موسسه منظور نمیشود .

۶- در نظام نامه خود موسسه واضح است کسانیکه در طول سال از رخصتی خود استفاده نکرده‌بکار موسسه حاضر باشند، پول عوض آنرابایدبه مدیریت مامورین‌پیشنهاد نموده، امر حاصل وبه مستحقین آن بپردازند، اما نمی‌دانیم‌روی کدام‌علت این ماده‌که به نفع مایان است اجرا نمیشود؟

۷- مواد تولیدی موسسه از قبیل روغن، صابون، کنجاره، وپوستك‌که ازرنج ومشقت وپشتکار وعرق جبین کارگران عرض وجود میکند، باید به نرخ تمام شد موسسه درمقابل پول نقد به کارگران و کارکنان موسسه تادیه گردیده، سالانه یك مقداربنبهٔ محلوج‌نیز طورسهمیه به نرخ تمام شده به‌کارگران‌و کارکنان موسسه جهت رفع‌حوایج فامیلی‌شان درمقابل پول نقد تادیه شود .

۸- معاش بخشش بیلانس‌هرسال دهندگان عده‌ئی‌ازماموران‌رشوه‌ستان درختم همان سال باید به مستحقین تادیه شود، نه بایدبه منفعت چند‌نفر شرکاء چند سال معطل گردد.

۹- یك امر مسلم است که قوه ومشقت اضافه تر کار بالای کارگران وکاتبان وغیره کارگران خورد پایه موسسه بوده ، آمرین شعبات ودستگاه ها جز هدایت وفرمایش کاری ندارند. امادرحین‌تادیه وتقسیم فیصدی‌مفادبیلانس، نفری‌فوق درهیچ قطاری نیامده، بازهم بنام‌برجسته، آمرین مذکور پول زیادی را میگیرند ودرراه تشریفاتی وتزئیناتی مصرف میکنند. کارگران وکارکنان خورد پایه جزالم وحسرت چیزی نصیب نمیشوند. باید این موضوع نیز جدا درنظر گرفته شود.

۱۰- بیمه صحی قسمیکه‌سپین‌زر معیار گذاشته قانونی نبوده، مریض باید به تناسب مریضی طبق نظریه دوکتور معالجه وتداوی شود تصدیق وزارت صحیه دربن‌جا ارزش قانونی ندارد لطفاً واضح سازید ارزش آن روی کدام اسناد ازبین رفته؟

۱۱- اکثر کارگران وکارکنان بی‌وسیله خانه بدوش بوده، ازمعاش ششصد افغانی، سه صد افغانی‌آنرا کرایه خانه می‌پردازند. شرکت جدا دراین مورد اقدام خواهدکرد یااینکه خانه برای آنها ویااینکه کرایه خانه که ازسه صد افغانی کمتر نباشد داده شود.

۱۲- قراریکه در نظامنامه شرکت درج است که حد اقل قرار داد شش ماه بوده وحد اکثر آن دوسال شما روی کدام اسناد سه ساله قرار داد می‌کنید؟

۱۳- قراریکه شنیده میشود پول خدمتی نظر بفیصلهٔ‌شرکت‌خودسرانه بوده ، کدام اسناد اصولی موجود نیست. باید طبق اصول اجرا شود.

۱۴- درموسم تابستان ساعات کار دردیگر دوایر دولتی وموسسات تصدی تاساعت دو می باشد ، اما درموسسه سپین زر بازهم تاساعت پنج عصر دوام دارد، باید در ین موضوع اقدام جدی شود .

۱۵- درحصه ترفیعات مامورین پائین رتبه ومامورین فنی‌که از اول سال ۱۳۴۶ تاحال مستحق ترفیع نشده و درین قسمت سهل انگاری زیاد شده باید مقامات صلاحیت دار موسسه جدا متوجه شوند .

قرار شرح فوق تکالیف ومشکلات خود هارا در قید (۱۵) ماده فوق به مقام ذیصلاح موسسه سپین زر بعرض رسانیده جواب‌مثبت ویامنفی مدلل ومنطقی آنرا سریعا طالبیم.»

تذکر: چون گزارش مربوط‌به مطالبات‌کارگران پروژهٔ پلخمری- شبرغان بعد ازترتیب صفحات پرچم بمارسیددرشمارهٔ آینده بطور مفصل نشر می‌شود.

اخراج غیر قانونی یکتن از متعلمات لیسه شاهدخت بلقیس

اخیرا یکتعداد از متعلمات لیسهٔ‌شاهدخت بلقیس به اداره جریده اطلاع دادند که یکتن از شاگردان‌صنف یازده لیسه مذکور بدون کوچکترین دلیل قانونی به جرم‌داشتن ذهن روشن ونظریات‌انتقادی مخصوصا نسبت به سوء اداره‌مکتب‌از لیسه خارج شده است .

این‌وضع غیر قانونی باعث تولیدانزجار شدید متعلمات لیسه، مخصوصا همصنفان وی گردیده وفضای عدم مصونیت‌واعتمادرا نسبت به ادارهٔ لیسه ایجاد کرده است .

در حالیکه این زویهٔ خلاف قانون‌وخود سرانهٔ مقام مدیریت لیسه‌مورد تقبیح قرار میگیرد، احساسات پاك‌وحق طلبانهٔ متعلمات لیسه در برابر این عمل نسبت به اخراج متعلمهٔ هم‌صنف شان جداً پشتیبانی میشود.

نشر دقایق وعوامل اخراج متعلمهٔ‌مذکور با جزئیات‌طرز العمل مدیریت لیسه در آینده به مطالعهٔ خوانندگان‌ارجمند تقدیم میشود .

کوچیانی که‌دررنج انتظار میسوزند

هفتهٔ گذشته چند تن از هموطنان کوچی‌ما، بنمایندگی چندین‌صدفامیل خانه بدوش، باداره‌ٔ پرچم روی‌آوردندوتقاضا کردند تاوضع رقتبارایشانرا از راه جریده بهموطنان برسانیم.

هموطنان زحمتکش کوچی‌از بی‌نظمی، ستم وفساد بیروکراسی عمیقا منزجر شده واز شیوهٔ‌نادرست بیروکراتان فاسد و متنفذین کوچی و محلی‌که مؤیدین این شیوهٔ استند‌فریاد میکشید ند . خواست این آوارگان بیابانگرد که نه در زندگی سایه‌ئی‌دارند ونه درمرگ گورستانی درین نکات خلاصه میشود: زمین، خانه، معارف، صحت .

این گروه از هفت سال باینطرف‌در زیر نام «ناقلین» برای تملك یك قطعه زمین که از آن امرارزندگی کنند ، انتظار کشیده اند. انتظار هفت ساله آنهم برای خلقیکه بجز آسمان سقفی ندارند !

بیروکراتها، منتظرین کوچی هارا در ین هفت سال بوعدهٔ (فردا) فردائیکه هنوزازمادرزمان نزاده‌است، فریفته اند .

پرچم: به بیروکراتان فاسد تذکر میدهد که : اینان فرزندان وطن اند وفردا، فردائیکه ظالمان ومفسدان را دربرابر عدالت وباز پرس قرارداده، رسیدنی است . در انجام توجه زحمتکشان کوچی را درهمین شماره به‌بیانیهٔ پارلمانی‌بناغلی‌فیضان وکیل رودات ننگرهار، عضو فرکسیون دموکراتیك خلق معطوف میدارد. دموکراتیك خلق‌درهرجا‌مکان‌ودرهرزمان ممکن، ازحقوق‌زحمتکشان کوچی‌دفاع میکند واین دفاع را جز و جدایی ناپذیر وظائف عاجل خود میداند.

دپښتونستانیو محصلانواو شاګردانو

ستر کنفرانس

په پښتونستان‌کی دورونسټیو ملی او سیاسی نهضتونو دپښتنو ترناتیز لاندی، په کابل کی د پښتونستانیو محصلانو او شاګردانو د محکښینی فیصلی سره سم دجوزا په ۱۷ نیټه دخوشحال خان په درسی ودانی کی یوستر کنفرانس جوړ شوی و .

پدی کنفرانس‌کی د پښتنو دزړور او خوږ بدلی ملت دغرنیو قبایلودنوی اوزلمی نسل نمایندګانو، وینا وی کولی او خپل اشعار یی لوستل.هغه وینا‌وی چه پدی کنفرانس کی وشوی په کلی توګه یی ضد استعماری او ضد فیودالی خصلت ښود. زلمیانو د پښتونستان په هکله هغه زوړ اوبی‌حرکته سیاست وغانده چه‌دزړو طبقانو له خوا پدی موردکی تراوسه پوری تعقیب شوی. زلمیانو یوځل بیا دپښتونستان دستر لار ښوونکی باچاخان ستر رول یادکه اود مؤقتی حکومت‌ضرورت یی‌په‌کلکه تایید کړ.

د پښتونستانیو زلمیانو تحلیلونه او خبرنی دپښتونستان‌په باب خورا، علمی، زوری او وطنپالونکی وی.دوی د افغانستان او پښتونستان د ملی آزادی بخشونکو نهضتونو منطقی روابط په‌ګوته کړل‌اوهغه‌یی‌په اوږو هیوادونوکی یودبل لازم او ملزوم وبلل.

پرچم: دپښتونستان دزلمی نسل دوطنپال درك اوپه ملی مسایلو کی د خبرتی ددی نوی مرحلی شروع، دپښتونستان دآزادی پرلور یوستر ګام او نوی مرحله بولی او تولو پښتنوته دبیداری ددی نوی مرحلی مبارکی وایی .

پرچم معتقد دی چه د پښتونستان په غرونوکی به آزادی راوښیه شی اود غرونو زمن‌په داستعماراوارتجاع پلیت حصارته خپل‌نړوونکی ګذارونه ورکړی .

ژوندی دی د افغانستان او پښتونستان دزلمیانو په زړونو کی دآزادی جذبه .

تل دی وی زمونږ دخلکو مینه.

پایان اعتصاب کارگران مطبعهٔ فرانکلن

یا نمایندگی استعمار فرهنگی امریکا در کابل

پیوست بااعتصاب ۸ جوزای خود کارگران آگاه و با شهامت مطبعهٔ فرانکلین بروز ۱۴ جوزا مجدداًدست بااعتصاب زدند. علت اعتصاب مجدد آن بود که مقامات مطبعه فرانکلین بوعده هایکه در میتنگ ۸ جوزا بکارگران داده‌بودودرشمارهٔ‌گذشته آنرا نشر کردیم، در موارد اساسی عمل نکرد وبقسمت‌عمدهٔ خواستهای قانونی و اقتصادی کارگران جواب رد داد .

کارگران‌مطبعهٔ فرانکلین‌بااستواری درصحن‌فابریکه به میتنگ واعتصاب خود ادامه دادند و در بیانیه ها وشعار های خود ماهیت ارتجاع واستعمار را افشا کرده واز حقوق عادلانه خودبدفاع وتوضیح پرداختند. بالاخره رئیس مؤسسه در اثرفشار کارگران در محضرایشان حاضرشده و وادار به مذاکره شد .

قرار اطلاعات بعدی نمایندگان منتخب کارگران بروز ۱۵ جوزا باوزارت معارف داخل مفاهمه شده واصرار ورزیدند که بدون تحصیل مطالبات خود دست از اعتصاب نخواهند کشید. اطلاع میرساند که در نتیجه وزارت معارف با اکثر خواست های کارگران موافقت کرد ووعدهٔ تطبیق آنرا بکارگران داد.

اعتصاب کارگران‌زحمتکش مطبعهٔ فرانکلین بروز ۱۶ جوزا موفقانه خاتمه یافت .

اعتصاب آگاهانهٔ کارگران مطبعهٔ فرانکلین نشاندادکه باپیگیری،منطق و استواری و بدون راه دادن به ماجراجوئی ونفاق افگنی درمیان خویش میتوان ارتجاع را قدم بقدم وادار بعقب نشینی کرد و مبارزه در راه برآوردن خواستهای عادلانه خود را پیش برد .

فریاد های زحمتکشان ولایت تخار

خبر نگار پرچم ازولسوالی‌چاه‌آب ولایت تخار اطلاع میدهدکه۲۳کارگر مزدور معدن طلای (نورابه) واقع ولسوالی چاه آب بدون موجبات قانونی خلاف مادهٔ ۲۶ قانون اساسی کشور چندان لت وکوب دیده اندکه احتمال عیبی شدن عده‌ای از ایشان بوجود آمده است .

درتفسیر خبرنوشته شده است‌که کارگران طلابصورت روزمزد،درمعدن (نورابه) مصروف‌کار بودندودرمقابل روزانه ۲۵ افغانی مزد میگرفتند - با فرا رسیدن روز های جوزا که موسم غله ودرو است وروز مزد کارگران درمزارع علاوه از ماکولات روزانه به چهل افغانی بالغ میشود. روی این علت کارگران طلاازکار- فرمایان خود تقاضا ی مزد بیشتر کردند ودرغیر آن‌تقاضای ترك‌خدمت نمودند. این‌تقاضاباعث برافروختگی واشتعال کار فرمایان قانون شکن وخود سر شده کارگران بی‌دفاع را روز ۶ جوزابهمدستی ولسوال‌چاه‌آب چنان لت وکوب کرده اند که دربا ودست چندین تن ایشان شکستگی- هایی پدید شده است .

خبر میرساندکه کارگران‌مذکوررا بعد از لت وکوب توسط موتر معدن به محبس ولسوالی انتقال داده اند وعده ای ازایشانرا بزولانه و ولچك کشیده اند. خبر ازجملهٔ این کارگران اسماء (ایوب ولد نیاز محمد ، امیر ولد نقای مراد، بابای ولد رجب، محمدصفر ولد نوروز ساکنان قریهٔ سمتی) را قید کرده است. خبر می‌افزاید که از طرف ولسوالی به قریه داران توصیه شده است تا جلو عرض و داد مجروحین ووابستگان شانرا به مقامات بالاتر دولت بگیرند .

پرچم : این روش ستمگرانهٔ بروکراتان بیرحم‌را جدا تقبیح نموده واز تمنیات کارگران بی‌دفاع وحرمت ایشان جداً دفاع میکند .

اعتصاب کارگران رزمندهٔ فابریکه های

حجاری و نجاری در برابر استثمارورویهٔ ظالمانهٔ کار فرمایان‌المان‌غرب

کارگران مبارز فابریکه حجاری‌وبتون بروز چهار شنبه ۱۵ جوزا وبدنبال اجتماعات قبلی، بغرض‌تامین حقوق صنفی خویش ، ازجمله اجرای رخصتیهائیکه از هفت سال‌باین طرف بطور ظالمانه برای کارگران مذکور داده نشده، در صحن‌فابریکه اجتماع‌نموده بودند. کارگران ازطرف پولیس وژاندارم‌احاطه شده‌بودند وادارهٔ فابریکه برای بر اورده شدن این خواستاتان تقاضای‌مهلت چهار ماهه داشت واما ایشان فریاد میزدند: «ما نمیخواهیم... شماخارجی استید، ما را فریب میدهید وبااستفاده از فقدان قانون مصونیت‌کارمارا بتدریج از فابریکه تصفیه مینمائید و...»

فریاد های حق خواهی و غریو‌کارگران مصمم، فابریکه داران المان غربی رابه اضطراب وتلاش واداشت‌ونمایندگان وزارت معادن وصنایع‌را بحضور کارگران حاضر کردند. آنان‌یادداشت کارگران رامبنی برمطالبات صنفی و قانونی شان اخذ و برای‌جواب به آن تا امروز مهلت‌گرفتند.

کارگران در یادداشت خودخواسته اند تا: محرومیت کارگران ازحق رخصتیهای قانونی مرتفع‌شود وعلاوه براجرای‌استحقاق غصب شده‌آنان در۷سال گذشته، در اینده نیز کارگران حق داشته باشند درمواقع ضرورت از رخصتیهای خویش طبق قانون استفاده نمایند.

بیمه صحی اصلاح شود، نان‌چاشت برای آنان منظور گردد، و سایل حمل ونقل از خانه ها یشان بفابریکه واز آنجا تامحل سکونت برای‌ایشان تهیه گردد. لباس کار برای آنان داده شود، معاشات شان که تا کنون باساس‌روزمزداجرامیگردد وروز های رخصتی را از معاش محروم‌مند، بطور ماهوار اجراگردد ومعاش‌روز‌پنجشنبه که‌تاحال نیمروزه داده میشد، بایدبوره داده‌شودوهمچنان درمعاشات‌شان برمبنای اصل لیاقت و سابقه‌کار درجه بندی و افزایش بعمل آید وبالاخره مصونیت کار تامین گردد وتعهد شود تا اخراجهای خودسرانه کارگران از کار بدون دلیل قانونی صورت نگیرد.

بدنبال‌این حادثه کارگران رزمندهٔ فابریکه نجاری هوخیف نیزاجتماعی تشکیل‌داده وعین مطالبات رابمقامات مسؤول سپردند که برای بر اوردن آن نیز تاامروز مهلت گرفته شده.

پرچم: خواستهای قانونی کارگران فابریکه حجاری‌وبتون و نجاری‌کابل راکه از طرف انحصارات المان‌غرب به نفع آنان بطور بیرحمانه استثمار میشوند مورد تائید قرار داده ومسؤولیت عواقب نا مطلوب اینگونه خود سری های نمایندگان انحصارات سر مایه داری المان را متوجه مقاماتی میداند که به چنین سود جویان بین‌المللی در استثمار کارگران شریف افغانی وسیعاً میدان داده اند.

اعتصاب شاگردان ښوونځی صنایع دوام دارد

اعتصاب شاگردان ښوونځی صنایع همچنان ادامه دارد وتاکنون مقامات مسؤول وزارت معارف نتوانسته اند به‌خواستهای‌قانونی متعلمان‌ښوونځی مذکور جواب قناعت بخش بدهند. طوریکه اطلاع گرفته ایم شاگردان مذکور بسترهای‌لیلیه‌را ازخوابگاههای شبانه برون ریخته اند وخود شبهارا در فضای آزاد وبدون بستر بسر میبرند، معهذا به مطالبات شان توجه قانونی نمیشود .

تقاضای پوهنځیهای حقوق و تعلیم وتربیه و دارالمعلمین عالی

محصلان پوهنځیهای حقوق و تعلیم و تربیه ، اکادمی تربیه معلمین و ښوونځی دارالمعلمین عالی تقاضا دارند تا امکانات ادامهٔ تحصیلات عالیتر برای ایشان مهیا شود. دانش آموزان مذکور توقعات خود را درین زمینه به وزارت معارف وریاست پوهنتون ارائه کرده و شدیدا منتظر جواب قانونی به آن می‌باشند .

(دلمړی‌مخ پاتی)

د پښتونستان ...

زیاتیدو کی ترقی شویده، اول یوه محکمه وه، سرك هغې سره و، ریل هغې سره و، بنګلی هغې سره وې بجلی هغې سره وه، نن چه ګوری هر یوه خانله خانله کاردی. چه ورشيء سراکونه مو وګوری، پخپله وزیران خو هوایی جازونو کې ځی راځی او ممبران عاجزان خو ګرم ندی.

(نوربیا)

تصحیح وتذکر ضروری

در سر مقالهٔ شمارهٔ گذشته، درسطر پنجم ستون اول صفحهٔ اول کلمهٔ (مؤقفیت)به (موقعیت)وهمچنان‌درسطر ۳۱ همین ستون ترکیب (بصحنه سازیهای دموکراتیك) به(بصحنه سازیهای به اصطلاح «دموکراسی») تصحیح شود .

وهمچنان تذکر داده می‌شود که قسمت‌اخیرداستان(جولیوس‌فوچیك) نسبت تراکم مضامین‌درشماره آینده‌تقدیم می‌شود .

پرچم

هره دوشنبه خپریږی

دتاسیس کال : د۱۳۴۶ (کب) ،
دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان (لائق)
آدرس : غوثی مارکیټ محمد جانخان واټ کابل، افغانستان

اشتراك
په مرکزکی دکال ۱۰۰ - افغانی
په‌ولایاتو او پښتونستان کی‌دکال ۱۱۰- افغانی
له هیوادنه دباندی‌دکال ۱۰- دالره
یوه ګڼه ۲- افغانی

دولتی مطبعه

تظاهرات کارگران، دهقانان

وشاگردان لیسه جبل‌السراج در ولایت پروان

روز شنبه (۱۱ جوزا) شاگردان لیسه جبل‌السراج با عده ای از کارگران، دهقانان واهل کسبه درصحن لیسه اجتماع نمودند . هدف این اجتماع وتظاهرات چهار ساعته‌راکه پیروز مندانه پایان یافت، مبارزه دستجمعی وقانونی علیه رشوه ستانی، کاغذ پرانی دوایر، ارتجاع، استبداد وستم اربابان محلی ومبارزه علیه شیوه های نادرست اداره لیسه وپشتیبانی از مطالبات عمده خلق خاصه کارگران ودهقانان کم زمین وبی زمین تشکیل میداد .

درین تظاهر واجتماع خواستهای مبرم شاگردان، دهقانان، کارگران فابریکه نساجی وسمنت جبل‌السراج باوضاحت کامل انعکاس یافت.وحدت ویك پارچگی تظاهر کنندگان خودنشانهٔ احساس درد های مشترکی بود که عناصر آگاه خلق جبل‌السراج‌را بهم پیوند وجوشش خلل ناپذیر بخشید وعلی رغم تلاشهای ناکام صاحبان امتیازات محلی و مرتجعین آن گوشهٔ کشور، بصورت متحد پرچم مبارزات قانونی خود رابرافراشتند.

مطالبات عمده شاگردان درین اجتماع مسالمت آمیز عبارت بود از تغییرشیوه های اداره اختناق آور قرون وسطایی مکتب وتقرر آمریکه بایجابات عصر وزمان کم و بیش آشنا باشد، بادرك ارزشهای قانون اساسی وخصوصیت دوران معاصر بمسایل بر خورد دموکراتیك بنماید.

زیرا اداره کنندگان موجود لیسه به کردار مربیان کهن در برابر شاگردان روش خشونت آمیز دارند به تشکیل کنفرانسها درداخل لیسه اجازه نمید هند. سانسور فکر وبیان روزبروز شدیدتر میشود. جرأت و شهامت انتقادصحیح، سالم و منطقی‌را در شاگردان میکشند . حتی اولیای متعلمین را به اداره خواسته تهدید میکنند که فرزندان خود را سر زنش نمایند تاچشم وگوش آنان باز نشود وبه مسایل عمومی ملی علاقمندی پیدا نکنند.

تقاضای دیگر شاگردان این بودکه باید برای علوم طبیعی لابراتوار ها مهیا گردد ودروس عملی و نظری باهم تالیف گردد همچنان شاگردان از ضیقی تعمیر لیسه شکایت‌داشته میگفتند: در حیاط لیسه محلی برای ورزش، تفریح وگشت وگذار آنان وجود ندارد .

نظر شاگردان درین مورد اینبود که مناسبترین محل برای لیسه در حال حاضر ارگ جبل‌السراج بوده می تواند .

اما دهقانان، اهل حرفه وزحمتکشان دهات جبل‌السراج وسید خیل مطالبات دیگری دارند .

مردم جبل‌السراج فریاد میکشیدند که طبیعت صرف آب فراوان وهوای خوش به‌آنان ارزانی کرده‌است.این‌آب که از دره سالنگ فرو میریزد در جبل‌السراج به نفع مردم لگام ز ده شده است . وازآن برق وانرژی تولید میگردد. شکایت دهقانان جبل‌السراج این است که‌چرا در کنار آب مست وخروشان سالنگ شب وروز به تشنه لبی میگذ رانند، حاصلات وکشتهای آنان از خشك آبی می‌سوزد. باید به ایشان بدون هرگونه واسطه وغیره حق‌آبه بد هند واز برق آن قراء دور ونزدیك جبل‌السراج وسید خیل استفاده نمایند.

همچنان عده‌ئی از کارگران جبل‌السراج افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار وتهیه وسایل حمل ونقل را تقاضا میکردند.آنان میگفتند:«مزد ما اندك است، دیگر نمی توانیم‌وضع توانفرسای موجودرا تحمل کنیم‌و...» کارگران درین مطالبات خود از پشتیبانی کلیه تظاهر کنندگان بر خوردار بودند.

حق‌به جانب بودن آفتابی خلق و شاگردان لیسه را ازینجا می توان درك نمود که‌حتی‌والی پروان تشبثات معاون لیسه را خلاف مصالح ومنافع مردم وخلاف ارزشهای قانون‌اساسی ومقررات موجود معارف تلقی کرده وفوراً دست اورا از کار گرفت .

تظاهر کنندگان در پایان اجتماع چهار ساعتهٔ خود از مطالبات‌قانونی کارگران، دهقانان وشاگردان کوهستان پشتیبانی کردند، وضرورت همبستگی کلیه خلقهای افغانستان‌را در مبارزه مشترك علیه متنفذین محلی ارتجاع، استبداد واستعمار تا یید نمودند وتظاهرات با موفقیت کامل ساعت دوازده‌ظهر مذکور پایان یافت.

پرچم: در حالیکه بی‌بند و باری دستگاه اداری ونمایندگان معارف رادرین گوشهٔ کشور جداً محکوم میکند تظاهر کنند گان را در مو رد مطالبات قانونی شان حمایت‌مینماید وهمبستگی ویك پارچگی آنانرادرامر مبارزه به خاطر تامین‌حقوق تلف‌شدهٔ ایشان به گرمی می ستاید و در راه تحقق هدفهای قانونی آنان مبارزات خود را دنبال میکند .

اعتصاب کارگران فابریکه جنگلك

هنوز ادامه دارد

به دنبال اعتصاب وتظاهرات قبلی، کارگران فابریکهٔ جنگلك درجمعهٔ گذشته نیز باعتصاب خود ادامه دادند واعلام نمودند که تا سر حد بر آورده شدن مطالبات صنفی و اقتصادی خود باعتصاب ادامه‌خواهند داد .

دراعتصابات وتظاهرات گذشته مقامات وزارت معادن وصنایع بیك سلسله وعده ها وفرصت طلبیها دست زدند ووعده دادند که حقوق ومطالبات کارگران را تا مین نمایند، ولی در عمل تاکنون کوچکترین گامی درین راه بر داشته نشد .

قراراطلاع، کارگران‌مبارز جنگلك بروز یازده جوزا در شهر کابل‌دست به تظاهر زدندوبه تعقیب آن‌باعتصاب پنهانی داخل فابریکه پر داختند. گرچه مقامات مربوط برای اغفال ، پراگنده کردن وخاموش ساختن کارگران به حیل گوناگونی متوسل شده اند ولی آنان تاکنون‌به خاطر تا مین خواست‌های‌قانونی، صنفی‌واقتصادی خود پیگیرانه‌به مبارزه خود ادامه میدهند.

پرچم: بنابر ماموریت تاریخی‌خود از مطالبات کارگران جنگلك جداً پشتیبانی مینماید .

آغاز مذاکرات هیأت نمایندگان

کارگران نساجی پلخمری بامقامات مسؤول شرکت نساجی

طوریکه در شمارهٔ سیزدهم پرچم‌اطلاع داده شد، کارگران نساجی پلخمری بخاطر خواستهای قانونی‌وصنفی خود باقدامات و مقاومتهایی علیه کار فرمایان پرداخته اند .

خبریال ما بتعقیب اخبار گذشته‌اطلاع میدهد که کارگران مبارز وهوشیار نساجی پلخمری علی رغم کوشش فتنه انگیزان موفق شدند، یك هیأت نمایندگان‌را جهت‌مذاکرات نهایی باهیأت‌مدیره شرکت نساجی بکابل اعزام دارند. قرارمعلوم نمایندگان کارگران در کابل روی خواست همرزمان خود جداً‌پافشاری میکنند و هرگونه تطمیع، تهدید و تخویف را رد کرده اند. نمایندگان این کارگران گفته اند‌که درصورت عدم اعتنای هیأت مدیرهٔ‌شرکت نساجی بخواست های‌قانونی کارگران و ناکامی مذاکرات ایشان‌با هیأت مدیره، مسؤولیت عواقب قضایای ناشی ازین ناکامی بدوش‌کار فرمایان نساجی و هیأت مدیره شرکت خواهد بود .

پرچم: بادرکیکه از جریان جنبش کارگران نساجی‌دارد، پشتیبانی‌جدی خود را از موقف قانونی ایشان اعلام نموده وعقیده دارد که مسؤول‌عواقب ناشی از ناکامی مذاکرات کارگران باهیأت مدیرهٔ شرکت، خود هیأت مدیره که درموضع‌غیر قانونی‌مقاومت کرده است، خواهد بود .

روزگار تباه دهقانان ولایت نیمروز

بناغلی (ع.ق.ف) راجع به وضع دهقانان ولایت نیمروز به‌ما مینویسد: «ولایت نیمروز که ٪۹۵ جمعیت آنرا دهقانان تهیدست تشکیل میدهد تحت استثمار ٪۵ ملاکان و اربابان بزرگ استثمار گر قراردارد. طبقه وسیع دهقانان درین سر زمین اراده خود را در قبال نفوذ وقدرت ملاکان وخوانین بکلی از دست داده اند . ایشان که‌از هر گونه آزادی محروم شده اند، حتی‌در امر از دواج‌دختران خود اختیاری ندارند . ازدواج‌ها با جازه واشاره ملاکان وخوانین مربوط شده است. خان میتواندختر هشت ساله دهقان‌خود را به پیرمرد هفتاد ساله بی نامزد نماید ،اگر بالفرض دهقانی از تعمیل همچو اوامر سرکشی کند، مستقیماً مورد ضرب وشلاق قرار میگیرد واگر این سرکشی ادامه یابد، متمرد بوسیله ماموران مربوط دولت که‌باساس منا سبات کهنه بار باب روستا وابستگی‌دارند، بخدمت‌همچو‌دهقانان میر سند، باشکنجه وتهدید هر چه را ارباب‌خواسته باشد بروی تحمیل میکنند . باین‌شکل زحمتکشان‌ولایت نیمروز که‌ازدسترنج ایشان عده‌ی‌از ستمگران عالی ترین زندگی رابرای خود فراهم کرده اند ،تحت اسارت مرگ آوری بسر میبرند .

درین اواخرکه قانون املاکی امکان تملك اراضی لا مزروع دولت را بدهقانان نان‌داد، گروه محروم دهقانان صدها قطعه در خواست وعرایض جهت آباد کردن وتملك این اراضی به‌دولت سپردند. اما نتیجه این بود که مامورین فاسد باملاکین ستمگر بشیوه همیشگی دست اتحاد داده حیله ها بکار بردند وقطعات قابل زرع املاك‌دولت‌را بوسیله واتربمپها آبیاری وتملك کردند وبا ستثمار بیر حمانه تر دهقانان پرداختند ستمگران ،ستمگرترشدند ودهقانان ستمدیده تر .

آرزو مندم‌فریادبی صدای‌دهقانان بی دفاع نیمروز را توسط پرچم ناشر اندیشه های دموکراتیك خلق بوطنپرستان و حامیان خلق رسانیده ودولت را باین رویه ظالمانه‌مامورین محل وروش محکوم وفرسوده شان متوجه نموده وحمایت توده وسیع مردم را جلب نمایند .»

پرچم وضع‌دهقانان ولایت نیمروز را بحیث یك تراژدی ننگین وشرم آور در تاریخ معاصر کشور دانسته وحمایت کامل خود را از دهقانان نجیب این ولایت اعلام میدارد وبار دیگر جدا خواست خود را نسبت اصلاحات عمیق و دموکراتیك ارضی وبنفع دهقانان تایید میکند .

از (ص ۲)

وضع کنونی جنبش آزادیبخش ملی

انقلابی کمك و رهنمائی می نماید تانقش بر جسته طبقه کارگر را در حیات اجتماعی درك نمایند و اهمیت فوق العاده بزرگ سوسیالیزم علمی را احساس کنند. از همین‌جهت است که عناصر مترقی در کشورهای نو به آزادی رسیده از سیاست اتحاد با دموکراتهای انقلابی پیروی می نمایند. دکترین نقش رهبری کننده‌ئی که دموکراتهای انقلابی درترقی اجتماعی بعضی از کشورهای نو به آزادی رسیده بازی می نمایند، با مفکوره مترقی راه رشد غیر سر مایه داری کاملا مطابقت دارد. طرح نظریه راه رشد غیرسرمایه‌داری برای کشور های عقب مانده ئی که درآن ها بنابر رشد بسیار پائین یا فقدان روابط سر مایه داری (فورمول بدون طی مرحله سر مایه‌داری ازهمین جا بوجود آمده است) عملا طبقه کارگر وجود ندارد،صورت گرفته‌است. غیر از هر نوع برخورد دیگر باین مساله کشورهای‌عقب‌مانده را که‌دراکثر آن طبقه کارگر وجود ندارد واگر هست بسیار ضعیف‌است واحزاب طبقه کارگر در آنها موجود نیست، محکوم می نماید تا بطور پاسیف و عقیم در انتظار زمانی بنشینند که درآن طبقه کارگربوجود آید وباز بیك نیروی رهبری کننده مبدل گردد و دکتاتوری آن ممکن شود. طرح مسئله باین شکل مساوی به اعتراف به ناگزیری پیروزی سرمایه‌داری‌دراین‌کشورها میبا شد.

واضح‌است که اگر راه رشد غیر سر مایه داری در آن کشور ها رد میگردد، تشکل طبقه کار گر تنها از راه انکشاف و تحکیم منا سبات سر مایه داری ممکن میبا شد .

که‌این خود در حکم عدم ایمان به امکانات انقلابی توده های ملیونی مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق وتاثیر یکه سوسیالیزم جهانی بالای رشد اجتماعی در این کشور ها وارد می نماید میباشند. البته هر گاه سیستم جهانی سوسیالیزم وجود نمیداشت راه رشد غیر سرمایه‌داری بروی بسیاری از کشور های که از اسارت استعمار آزاد شده اند، مسدود بود. بنا بر تشکیل‌وانکشاف سیستم جهانی سوسیالیزم‌وضعیت از ریشه تغییر کرده است. این کشور ها میتوانند از راه استقرار منا سبات، استفاده از تجارب و کمك های سوسیالیزم جهانی بدون طی مرحله سر مایه داری در راه هدف غائی گام نهند.

-۴-

سوسیالیزم جهانی نقش مهمی‌را در بوجود آوردن شرایط مساعد‌برای ترقی اجتماعی در کشور های کم‌رشد ودرراه رشد غیر سر مایه داری آنها بازی می‌نماید.جلو مساعی‌امپریالیزم‌را درراه به‌عقب بر گردانیدن پیشرفت این کشور ها،که‌راه ترقی اجتماعی‌را درپیش گرفته‌اند، میگیرد و تلاش آنرا در صدور ضد انقلاب با این کشور ها محدود می نماید ویا آنرا بکلی فلج میکند. نیروی فشارسیاسی واقتصادی راکه امپریالیزم بر این کشورها وارد می نماید کم و خنثی می‌سازد واز طرق مختلف به آنها کمك می نماید.

کمك های کشور های‌سوسیالستی به این کشور ها امکان مید هد که خود را باکم ترین تلفات از سیستم اقتصادی سرمایه داری نجات دهند ویاکم از کم وابستگی خود را به‌آن کم نمایند. امداد یراکه کشور های سوسیالستی به کشور های کم رشد در تربیه متخصصین ملی، ساختن سیستم معارف عمومی، احیای‌فرهنگ ملی آنها می نمایند، امپریالیستهارا از اهرام مهم اعمال نفوذ معنوی درحیات اجتماعی این کشور ها ووسیله پخش نظرات ارتجاعی وضد سوسیالستی محروم می سازد .

نمونه سیاست وایدیولوژی سوسیالستی نفوذ عظیمی را بطور روزافزون در انکشاف اجتماعی‌کشور های کم‌رشداعمال‌میکند.یکی از رهبران الجزایر در مصاحبه خود با خبرنگار روز نامه اونیتا اظهار داشت که‌ساحه کمك های کشور های سوسیالستی به‌الجزایر تنها محدود به کمك های اقتصادی نیست،بلکه شامل‌کمك‌های ایدیولوژیکی و مبادله تجارب علمی ونظری و تمام امکانات نیست که انقلاب الجزایر را در مسیر گام نهند. لذا مساله مورد بحث تنها این‌نیست که سوسیالیزم جهانی به حیث یك پشتیبان و نگهبان انکشاف مستقل و مترقی کشور های کم رشد خدمت میکند، بلکه وظایف طبقاتی امداد جهان سوسیالستی که به کشورهای روبه انکشاف می نمایند نیز مورد بحث میبا شد. سیستم سوسیالستی بحیث نیروی پیشرو انقلاب جهانی، نقش رهبری‌بین‌المللی پرولتاریا را بازی می کند. طبقه کارگر کشور های سوسیالستی بمثابه طبقه رهبری کننده متشکل، از نیروی ملی به نیروی بین‌المللی تکامل نموده است ونسبت به‌دهقانان وتوده‌های نیمه پرولتری مستعمرات ونیمه مستعمرات سابق بحیث یك پیش آهنگ نیرومند پرولتری عمل میکند. این وضع امکانات تاریخی آغاز انقلابات ملی را دراین کشورها وسیع ساخته و زمینه های مساعدی برای پیروزی کامل آنها بوجودآورده است .

اکنون که سیستم جهانی سوسیالستی وجود دارد، وجنبش طبقه کار گر در کشور های‌پیشرفته سر مایه داری بیك نیروی عظیم بین المللی مبدل شده‌است. با ید مساله هژمونی پرولتاریا ، یعنی نفوذ سیاسی آن بر دیگر گروپها ، بشمول قشر های متوسط، نه تنها ازنظر ملی،بلکه ازنقطه نظربین‌المللی نیز موردبحث قرار گیرد. پس دیگر درست نیست که گفته شود، در آن عده از کشور هائیکه طبقه کارگر متشکل وجود ندارد، یا ضعیف است وهنوز حزب خودرا بوجود نیاورده است طبقه‌کارگربین‌المللی ونیروهای سوسیالیزم علمی در حیات اجتماعی آن‌ها تاثیر وارد نمیکند . بخصوص ایجاد منا سبات دوستانه‌این‌کشورها بادولتهای سوسیالستی نادرستی این استدلال را بخوبی ظاهر میسازد. موجودیت سیستم‌جهانی سوسیالیزم وجنبش نیرومند طبقه کارگر در کشورهای امپریالستی توام‌باشرایط معین داخلی، عامل تاریخی راتشکیل میدهد که این کشور ها میتوانند به کمك آن بر مبنای اتحاد و سیع طبقاتی و آرایش جدید نیرو های طبقاتی در راه ترقی اجتماعی، راهی که‌به‌سوسیالیزم منجر می شود گام نهند.

بامو جودیت این عوامل در عده‌ئی از کشور ها، در تحت رهبری دموکراتهای انقلابی، امکان دا رد اشکال بسیار متنوع انتقال بوجود آید.

عناصر مترقی از تنوع بیشتر اشکال انتقالی باین نتیجه میر سند که در بعضی از کشور های کم رشد، دموکراتهای‌انقلابی ازجهتی‌میتوانند بحیث عامل عمده ترقی اجتماعی عمل کنند که سوسیالیزم بیك سیستم جهانی مبدل شده‌است. عناصرمترقی این استنتاج را دلیل بر رشد وغنای مزید پرنسیپ کلی نقش رهبری کننده طبقه کارگر در گذر از سرمایه داری به سوسیالزم‌میدانند.

از آنرو روابط بین جنبش آزادیبخش ملی ملتهای جوان ونیروهای سوسیالزم جهانی در مرحله کنونی اهمیت خاص دارد. این‌موضوع محضاً پرابلم منا سبات بین المللی کشور های نو بنیاد و یا به تعبیر سیاست مداران غرب «جهت گیری درسیاست خارجی» این کشور ها نمیباشد. مسأله اینست که نیروهای آزادی ملی به اتکاء به سوسیالیزم جهانی واستفاده از تجارب آن و بابکار بردن ایدیولوژی علمی آن، از اوضاع معاصر جهانی **به نفع پیشبرد مبارزه شان تاکدام اندازه استفاده کرده میتوانند.**

سر نوشت ودورنمای جنبش‌های آزادیبخش معاصر وابسته به شیوه بر خورد باین مساله است.

برای کشور های نو به آزادی رسیده یی که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته اند، تحکیم روزافزون نزدیکی و ارتباط با ملتهای سوسیالستی ، حیثیت قانون رشد وتکامل را دارد.

اگر تاسیس روابط نزدیك و همکاری فعال باجهان سوسیالستی شرایط **ضروری بین‌المللی** برای پیشرفت موفقانه کشور های جوان بسوی سوسیالزم، در تحت رهبری دموکراتهای انقلابی باشد، پس پیوستگی نزدیك تمام نیرو های که در این کشور ها در راه سوسیالزم مبارزه می کنند و سهم گرفتن فعال آنها در اصلاحات اجتماعی و بسط تدریجی دموکراسی اجتماعی وسیاسی **شرط حیاتی داخلی** چنین انکشاف را تشکیل میدهد.

(باقیدارد)

(ازص اول)

استیضاح وکیل فیضان..

خلقهای کشور تجاوز نموده اند، و کیسه های مردم راخالی کرده اند، وجز پوست واستخوان برای آنها باقی نمانده اند وثروت و ملکیتهای نا مشروع از دارایی دولت وخلق‌به دست آورده اند، به محاکمه کشانیده شوند و مجازات گردند و ملکیتهای غصب شده به «بیت المال» تحویل داده شود .

ـ باید در راه تعدیل قوانین کهنه و ضد مقتضیات عصر وضد ارزشهای دموکراتیك قانون‌اساسی وبه تدوین ووضع قوانین جدید دموکراتیك به نفع خلق کشور جداً اقدامات بعمل آید .

ـ تساوی حقوق‌سیاسی، اجتماعی اقتصادی وفرهنگی مردان وزنان کشور باید هرچه زودتر تا مین گردد .

ـ باید علیه ارتجاع ، نشر و شیوع‌خرافات‌وفحشاء ،اعتیادبتریاك، چرس والکول و دیگر مفاسداخلاقی مبارزهٔ جدی صورت گیرد.

بناغلی اعتمادی صدراعظم!

در خاتمه خاطر نشان میگردد: علی رغم اینکه ما معتقد یم که حکومت شما بنابر ماهیت طبقاتی آن، قادربه اجرای این وظایف اجتماعی نیست، معهذا منظور ما از ارائه فهرست خواستها و مطالب ضروری اجتماعی ومبرم روز خلق کارگر کشور است تادیده شود که حکومت در برابراین مسایل جدی چه موقف وتصمیمی دارد، چه درك دارد وتا کنون درین باره در حد اقل چه اقدامات نظری و عملی در زمینه از طرف حکومت‌بعمل آمده است؟وآیا حکومت ضرورت حل این مسایل اجتماعی را تشخیص داده است ؟ در برابر عواقب ناشی از عدم حل این مسایل اجتماعی احساس مسؤولیت میکند یانه ؟

انتظار توضیحات مشخص را در مسایل اجتماعی فوق داریم .

از (ص ۲)

صنایع دستی ...

ور شکستگی و سقوط قرار دارند وچه مصنوعات عالی دستی ظریف وزیبای کشور که قربانی دیو بیرحم استعمار نوین نمیگردد!

پس صنعتگران و پیشه وران ارجمند کشور! اتحادیه های صنفی خود را تشکیل دهید! در مبارزه علیه استعمار نوین وارتجاع داخلی و خارجی شرکت کنید !

راه نجات شما در پیروزی نهضت دموکراتیك وملی وطن‌محبوب ما افغانستان است.

تخلیص وترجمه: میراکبر خیبر

وضع کنونی جنبش آزادیبخش ملی

-۳-

طوریکه گفته شد هسته و محور مرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی‌را مبارزه در راه ترقی اجتماعی تشکیل می‌دهد. اما در همه کشورهای نو با ستقلال رسیده، درکشورهای‌که سر مایه داری محلی بیك نیروی جدی مبدل نشده است وروابط سر مایه داری در حیات مردم آن ریشه عمیق پیدا نکرده‌است آن‌ترقی اجتماعی که در این کشورها تطبیق شود کدام است؟ آن عبارت است از **رشد غیر سر مایه داری.**

نیز رشد غیر سر ما یه داری برای کشورهای مستعمره و نیمه‌مستعمره سابق بعد از ایجاد نخستین کشور سوسیالیستی بحیث جواب دربرابر مسایلی ناشی از بیداری خلقهای شرق، درتحت تاثیر اوضاع جدیدیکه در ۱۹۱۷ عرض و جود کرده بود، در ارتباط با مبارزات ضداستعماری وضد امپریالیستی آنها بوجودآمد. بااین طرح دور نمای گذار به جامعه نوین مترقی و ازاد از استثمار، بدون طی مرحله سر ما یه داری بر وی خلقهای شرق گشوده شد. و میانی بودن این ادعا باثبات رسید که جریان جنبش رهائی بخش باید باحصول استقلال سیاسی پایان یابد، و کشور های که یوغ اسارت استعمار را بدور انداخته اند، ولی مواد کافی و دیگر شرایط لازم رشد سوسیالستی راندارند، که‌معمولا سرمایه داری آنرا بوجود می‌آورد، باید بطور ناگزیر در چنگال‌سرمایه داری بیفتند . تجربه کشور های آسیای مرکزی و منگولیا صحت این ادعا را بطور مکمل باثبات رسانید.

درشرایط امروزی، معلومات جدید ، به غنای تیوری و پراتیك راه رشد غیر سرمایه داری افزوده است. اولا امکان تعقیب راه رشد غیر سر مایه داری برای اکثر یت قاطع کشور های نو به استقلال رسیده، بیك امر واقعی مبدل گردیده است، حالانکه در سابق تعقیب راه رشد غیر سرمایه داری شرایط مساعد خاص از قبیل نزدیکی جغرافیائی و یا حتی همجواری بایك کشور مترقی را ایجاب میکرد. اما امروز بنابر موجودیت سوسیالیزم جهانی، نه عقب ماندگی اجتماعی واقتصادی، نه خوردی و بزرگی یك کشور، و حتی نه دوری از کشور های مترقی، هیچکدام‌اهمیت قاطع ندارد. ثانیا، در کشور های‌نو به استقلال رسیدهٔ و کم رشد که راه ترقی اجتماعی را در پیش میگیرند اشکال جدیدتر و متنوع تر گذار بمرحله پیشرفته تر ترقی اجتماعی بوجود آمده است. ضرورت تنوع اشکال گذار ناشی از این است که در هر یکی از کشور های نوبه‌آزادی رسیده شرایط وامکانات بسیار متفاوت وجود دارد. بعضی از این کشور ها از مناسبات نهایت درجه عقب مانده در راه آزادی اجتماعی گام برمیدارند، تسلط نیرومند این مناسبات در کشور های مذکور ایجاب میکند تا بالضرر یك سلسله مراحل انتقالی را در طریق رسیدن بهدف غائی بپیمایند. در سال ۱۹۶۰ نظریه دولت دموکراسی ملی به‌حیث مناسب ترین شکل انتقال برای بسیاری از کشور های عقب مانده بوجود آمد. در عین زمان، نیرو های مترقی به تکرار اعلان کرده اند که این یگانه شکل نیست، بلکه اشکال دیگری نیز امکان پذیر است .

ثالثا، امکان دارد ائتلاف سیاسی‌ای که جریان گذار به راه رشد غیر سر مایه داری، راه‌رشدسوسیالستی را راهنمائی می نماید در عده ئی از کشور ها ـ تحت بعضی شرایط ـ به سر کردگی نیر وهای دموکراسی انقلابی شروع گردد.

روشن است که در بعضی از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق آزادی از امپریالیزم و گذار به رشد سوسیالیستی تحت رهبری‌مستقیم نیرو هائی‌صورت گرفت‌که سرکردگی آنرا احزاب مترقی بعهده داشتند . دراین شك نیست که در صورت موجودیت شرایط عینی و ذهنی،دیگر کشورها نیز دراین راه گام خواهند نهاد، ولی طوریکه تجربه زندگی نشان میدهد، این یگانه راه نیست. در بسیاری از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق راه رشد سوسیالستی پیش از آنکه تقسیم‌طبقات‌خصوصیت مشخص پیداکند ضرور وامکان پذیر میگردد. در تحت چنین شرایط، وقتیکه بورژوازی محلی ضعیف‌است وخود را بوا سطه تلاش در راه‌ کشاندن کشور بر اه رشد سرمایه داری بی اعتبار می سازد و راه سازش با امپریالیزم را در پیش میگیرد، و وقتی که طبقه کارگرهنوز نیروی رهبری کننده رشد اجتماعی نگردیده است، قشر های متوسط نفوس، دهقانان طبقات متوسط پائین در شهر ها و روشنفکران دموکرات ـ استقلال سیاسی را بدست می آورند و نقش فعال بازی می‌کنند. که دموکراتهای انقلابی ازمنافع آنها نمایندگی مینمایند.

دموکراتهای انقلابی که شدیداً تحت تاثیر پیروزیهای سیستم‌جهانی سوسیالیزم استند، با توده ها پیوند نزدیك دارند و در جستجوی اشکال و شیوه های مشخص‌میباشند که کشور رادربك مسیر سوسیالستی سوق دهند.

پروگرام عمومی دموکراتیك دموکرات های انقلابی که نیم قرن پیش از امروز، صرف نظر ازخواست ها مو لفین آن، آنها را بطور عینی در راه استقرار مناسبات سر ما یه‌داری سوق میداد امروز، درتحت شرایط جدید از چوکات سرمایه‌داری تجاوز میکند و یك قسمت عمده ومهم خواستهای پروگرام احزاب مترقی را در کشور های نو به استقلال رسیده احتوا می نماید. جای شك نیست‌که این پروگرام در مبارزه‌سخت‌باارتجاع تحقق می پذیرد. ارتجاع نه تنها ازطریق پروگرام خود ـ قرار دادن تشبثات خصوصی در برابر سکتور دولتی ـ با این پروگرام مخالفت می نماید . بلکه از طریق تلاش در راه از بین بردن محتوی انقلابی ضد امپریالیستی‌اصلاحات اجتماعی واقتصادی نیز باآن‌به مبارزه می پردازد. ارتجاع می خواهد حتی از بیرون راندن انحصارات خارجی به نفع تقویه سر ما یه محلی، از اصلاحات ارضی وجنبش کوپراتیف غرض توسعه و تحکیم مواضع دهاقین ثروتمند، از توسعه سکتور دولتی در راه بو جود آوردن یك بیروکراسی تجرید شده، از مردم استفاده‌نماید. عناصر مترقی به نقش انقلابی دموکراتها در جنبش آزادیبخش‌ملی، در مبارزه مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق در راه‌ترقی‌اجتماعی اهمیت زیاد قایلند، خود زندگانی، منطق مبارزه انقلابی به دموکراتهای

(ص ۳)

غرجستانی

صنایع دستی و زندگی پیشه‌وران در کشور

بوت دوزان در سراشیب ورشکستگی

از آنجا ئیکه صنوف پیشه و رواهل حرفه در جنبش دموکراتیك‌وملی در اتحاد با کارگران ودهقانان قرار دارند، پرچم بعد ازین را جع به‌وضع‌زندگی اقتصادی واجتماعی‌ودفاع‌از خواستهای ضروری ایشان طبق فقره چهارم امور اقتصادی مرام دموکراتیك خلق که میگوید:«حمایه‌صنایع دستی و کمك به اهل حرفه و پیشه وران‌بوسیله اعطای کریدتهای کم‌ربح طویل المدت از راه ایجادکوپراتیفها» مقالاتی نشر میکند. در ین شماره راجع بوضع‌وخواستهای صنف بوت دوزان کشور که در ورشکست اند وآمادهٔ دفاع از خواستهای خویش‌میبا شند،میپر دازیم .

هر گاه به کارگاه های کوچك صنعتگران و پیشه وران کشور درشهر ها و دهات سری زده شود وضع فلاکت بارو کشنده این لشکر مردان، زنان، پیران واطفال بیش از دوصد هزار نفری وجدان هر انسان شریف را تکان میدهد.

عواید صنعتگران و شاگردان پیشه ور حتی مصارف نان خشك‌یك خانواده چهار پنج نفری را تأمین کرده نمیتواند، واقعیت اینست که وضع زندگی ایشان طاقت‌فرساست. چندین رشته صنایع‌دستی و حرفه‌های معمول کشور بدون طی جریان طبیعی آن که جای خود را باید متدرجاً به تولیدات بزرگ داخلی میداد، بنابر عدم توجه بحال طبقهٔ زحمتکش پیشه ور و حمایت از آنها دربرابر رقابت خورد کنندهٔ اموال خارجی و بخصوص آن اجناسیکه از نظر کیفیت برتری ای بر تولیدات صنایع دستی کشور ندا شته، اما از لحاظ قیمت ها محصولات پیشه وری را به رکود و سقوط مواجه ساخته‌است که‌چنین‌وضعی‌پیشه‌وران واهل حرفهٔ ما را ور شکست وخانه خراب میسازد. بطور مثال ورود بی قید و بند ووسیع البسه مستعمل وهزاران جوره بوت کهنه امریکایی وبعض کشور های دیگر، در سالهای اخیر مصنوعات دستی مر وجه از قبیل برك، کرك، الچه،منسوجات نخی‌وابریشمی و صنعت بوت‌دوزی وبوت دوزان کشور را در موقعیت نامساعدی قرار داده است.هم‌اکنون چندین صد نفر بوت دوز سابقه دار وماهر تنها در شهر کابل بنابرتنگ شدن عرصهٔ فعالیت دست از کار کشیده اند و به‌فقر و بیخانمانی محکوم‌شده‌اند.تعداد بیشتر کارگاههای بوت‌دوزی شهر، که بیشتر ازدوصد کارگاه میباشد، در آستانهٔ سقوط قرار دارند. اکثر این بوت دوزان باوصف اینکه از سالیان دراز به اینطرف در ین پیشه مهارت زیادی کسب کرده‌اند اما از یکطرف زمینه کار دیگری برای ایشان وجود ندارد واز جانب دیگر بازار فروش برای مصنوعات آنها روز تا روز محدودتر میگردد. به تنهائی درشهر کابل در حدوددو هزار نفر شغل بوت دوزی دارند ولی نیمه‌ئی از آنها بصورت قسمی و یا دایمی بیکار میباشند.

اگر از جمله بوت های توریدی از خارج، قسمتی از آنرا برونازین بحث بنداریم که بوت های خیلی پر تجمل و قیمتی است و جهت ارضای تفاخرات قشر معدودی از ناز پرورده های اجتماع ازکشورهای اروپای غربی وارد وبه قیمت‌های بلندی از هشتصد افغانی تایکهزارو پنجصدافغانی فی جوره عرضه میگردد، سالانه به مقادیر زیادی بوت از هند و پاکستان‌وبعضی ممالك دیگر وارد میشود . گر چه در واقعیت امر ، این نوع بوتها نه از نظر قیمت و نه جنسیت بابوتهای ساختهٔ دست بوت دوزان کشور، رقابت کرده نمیتواند، اما بنام بوتهای خارجی مورد استقبال واستفادهٔ مردم قرار میگیرد. مشکل اساسی و عمدهٔ بوت دوزان ما در رقابت با بوتهای کهنه امریکایی است که به تعداد فراوانی وارد ودر تمام گوشه و کنار مملکت بفروش میرسد. این نوع بوت ها ظاهری فریبنده دارد، در حالیکه هریك آن قبلا عمرش رابه صاحبان اولی واصلی اش بخشیده است.لیکن قیمتهای آنها چون به تناسب‌کوچکی نسبت به بوتهای ساخت بوت‌دوزان ماهر کشور کمتر میباشد، مردم ترجیح مید هند که دفع الوقت کرده باآن بسازند.

اکنون یك جوره بوت‌کهنه امریکایی دربازار متناسب به مد تیکه مورد استفاده قرار گرفته است وبا درنظر گرفتن روحیهٔ خریدار از پنجاه تا یکصدو پنجاه افغانی فی جوره بفروش میرسد، در حالیکه بوتهای جدید و طبق بین صد تا دو صد افغانی فی جوره، اکثر با مراعات ذوق و سلیقه فرمایش دهنده بدسترس مردم گذاشته میشود ، هرگاه برای‌بوت‌دوزان‌وبیزاردوزان‌ما حمایه وتسهیلات لازم فراهم گردد، آنان قادر خواهند بود که نه تنها از نظر تعداد نیاز مردم ما را به پاپوش در شرایط فعلی بر آورده سازند، بلکه از نظر کیفیت ودوام‌نیز خواهند توانست با قسمت بیشتر انواع بوتهای توریدی رقابت نمایند.

بوت دوزان ما علاوه بر مشکل عمده رقابت کشندهٔ بوت های کهنه امریکایی وبوت های جدید پاکستانی وهندی و کسادی عمومی بازار (بالخاصه در مواقع سرما که مردم بیشتر از موزه و کلوش استفاده مینمایند) بمشکلات دیگری نیز روبرو میباشند و آن مواد خام‌مورد ضرورت صنعت بوت دوزی است که ۸۵ فیصد آن از قبیل چرم رویه، چرم تله، میخ، رنگ و غیره از خارج بخصوص هند و پاکستان وارد میگردد. چرم وارداتی هندی و پاکستانی بنابر جنسیت پائین وقیمت بلند آن تاثیر ناگواری را بر صنعت بوت دوزی کشور وارد می آورد. چرم داخلی که در فابریکه چرمگری وبوت دوزی کابل و دستگاه کوچك چرمگری چهاریکار تولید میشود، هم از نظر جنسیت و هم قیمت نسبت به‌چرم‌هندی وپاکستانی مساعدتر است اما مقدار آن قلیل بوده و بدسترس بوت دوزان قرار نمیگیرد. در فابریکه بوت دوزی وچرمگری که سر مایه خارجی نفوذ دارد، هزاران جلد پوست اعلی‌قبل از آنکه به چرم تبدیل گردد،بصورت نیمه عمل شده بشکل پیکل صادر میشود وازین‌طریق مقدارقابل‌ملاحظهٔ اسعار به جیب یکی دو نفر تاجر وسهمدار خارجی که درین امر دست قوی دارند، میریزد.

در پایان این بحث مختصر میتوان گفت که هر گاه حکومتهای‌افغانستان یك‌سیاست صحیح‌اقتصادی راتعقیب میکردند واگر نظامی دموکراتیك وملی در کشور استقرار میداشت ، از طریق حمایه و تشویق و بهبود شرایط کار صنعتگران و پیشه وران شریف و زحمتکش وطن و تبدیل کارگاه های کهنه وقدیمی‌به کارگاه های جدید، ازین ناحیه کمك بزرگی باستفاده‌از تجارب اندوختهٔ شده ومهارت های هزاران انسان مستعد وزحمتکش در امر شگوفانی‌اقتصاد افغانستان صورت‌میگرفت، درحالیکه اکنون این گروه زحمتکش که از نظر منافع و موقف اجتماعی دارای خصلت ضد امپریالیستی و ضد استعماری استند، در سراشیب

در «ص۳»

از (ص اول)

روز بین‌المللی ...

بسیاری حقوق آنان تلف میشود، در حالیکه از لحظه ئی که کودك پا بعرصه وجود میگذارد حقوقی‌بوی تعلق میگیرد که جامعه مؤظف به تأمین آنها ست، و همچنان مؤظف به‌حمایت از ایشان در برابر تمام مشکلاتی که مانع رشد جسمی، فکری اخلاقی واجتماعی‌آنان میگردد.ووظیفهٔ دولتها، سازمانها، اتحادیه ها وغیره است که از آنان حمایت وپشتیبانی نمایند، زیرا کودك موجود یست نارس واز حقوق خود مانند بزرگسالان نمیتواند دفاع نماید.

بدینجهت پس از جنگ جهانی دوم سازمانهای دفاع از کودك در بعضی از کشور ها بوجود آمد وملل متحد که اعلامیهٔ حقوق بشررا تصویب کرده بود، دراثر مبارزهٔ‌این سازمانها ناگذیر، برای جلب توجه بخصوص دولتها به کودکان «اعلامیه حقوق طفل» رادرچهاردهمین اجلاس اسامبلهٔ عمومی خود درنوامبر سال ۱۹۵۹ تصویب ونشر کرد، اما همانطوریکه اعلامیهٔ حقوق بشر ازطرف بسیاری از دولتها نقض گردیده، این اعلامیه نیز بدست فراموشی سپرده شده است.

درسر لوحهٔ اعلامیهٔ حقوق طفل گفته میشود که:«سلامت جسمی و فکری کودکان باید نخستین آرزوهای هر ملتی باشد» و سپس تاکید میشود: طفل باید برخوردارازحمایت خاص بوده وتوسط قانون ووسایل دیگری امکانات و تسهیلات برای آنان فراهم گردد که از نظر جسمی، فکری، اخلاقی، روحی واجتماعی بصورت صحی و نورمال در شرایط مساعد، آزادی و احترام بشخصیت طفل، رشد و پرورش یابند، اما در کشور ما کمترین توجهی بحال کودکان مبذول نمیگردد، قسمت‌اعظم اطفال ما از گرسنگی رنج میبرند، عدم تغذیه کافی و سوء تغذیه ،مانع رشد فزیکی اطفال گردیده واز نظر فکری آنان را افسرده ساخته و به انحطاط میکشانند.

فرهنگ طبقاتی مانع عمده پرورش فکری و روحی کودکان است،مطابق تصمیم سازمان فرهنگی یونسکو که‌درسال ۱۹۶۰ بعمل آمد و تمام کشور های عضوآنرا متعهدشده اند، «امکانات تحصیلات ابتدائی واجباری ومجانی باید برای تمام اطفال فراهم گردد» لیکن در عوض اکثریت مطلق کودکان ده واطفال شهری در دورانی که باید سر خوش‌وشاد درس‌بخوانند وازحق تفریح واستراحت که برای پرورش آنهالازم‌است مستفیدگردند، باکار وزحمت آشنا میشوند، مزارع، کارگاه ها و بعضی از فابریکات کشور عرصهٔ استثمار بیرحمانهٔ کودکان خورد سال‌است که بجای تحصیل بفروش نیروی کار خود مجبور شده‌اند. صاحبان بعضی از فابریکات ازوجود کودکان بطور وحشیانه ای بهره کشی مینمایند ودرعوض تادیهٔ دستمزد یکنفر کارگر بزرگ سال سه نفرکودك رااستخدام وازهریك کار یکنفر کارگر بزرگ‌را میگیرند، تا اینکه بمیرد ویا از کار بازماند، مثلا در فابریکات نساجی پلخمری وگلبهار یك تعدادزیاداطفال کمتر از سن چهارده کارهای مشقت باری را بامزد بخور و نمیر دوتادونیم‌صدافغانی‌درماه‌انجام‌میدهند

اکثر کودکان ما در آوان طفولیت به خطراتی مواجه میگردند، تعداد زیاد شیرخوارگاه ها و کودکستان ها فوق العاده محدود و بصورت نمونه و آنهم با وسایل و پروگرام تربیتی ناقص و فقط برای خانواده های ثروتمند جامعه میسراست.

حقوق اطفال‌بنابر تبعیضات‌نژادی، لسانی وغیره پامال میگردد واز ین حق‌مسلم ، که باید بزبان مادری خود تحصیل نمایند، محروم اند.

متأسفانه اکنون بجای اینکه بر ین دردها بیندیشند: هستند نیروهائی که به در وگردن خوشه های برومند زندگی کودکان مشغول اند. اما مبارزهٔ جسورانهٔ همه پدران ومادران میتواند اینوضع را دگرگون سازد و سرنوشت غم انگیزکودکان راتغییر دهد. هیچ پدر و مادری نمیتواند ازین مسؤولیت سنگین شانه خالی‌کند.مبارزه علیه‌تیره‌روزی کودکان‌بدون تزلزل باید ادامه یابد تاتمام کودکان با آزادی کامل،تمام امکانات پرورش جسمی و روحی را دراختیار داشته باشند، از تمام مزایای امنیت اجتماعی برخوردار شده ووسیلهٔ آموزش و تفریح برای آنان فراهم گردد، تعلیم و تربیت اجباری و مجانی تمام ابرهای تیرهٔ جهل و بیسوادی را از زندگی‌ایشان بزداید وبالاخره از تمام آنچه تفاوت نژادی را بار می آورد کودکان مصئون مانده، روح بیگناه ایشان و آیندهٔ آنها تیره و جریحه دارنگردد.

ادامه نهضت کارگری در فابریکه نساجی گلبهار

خلق زحمتکش افغانستان بمنظور تامین حقوق‌وآزادی های دموکراتیك خود روز تاروز آگاهتر، هوشیارتر و متشکل‌تر میشوند، در برابر ظلم و ستم به‌حرکت‌می آیند وپرچم‌مبارزات پرافتخارکارگری راعلیه استثمارگران برافراشته نگهمیدارند .

موج جنبش کارگری در فابریکه نساجی گلبهار عصر چهار شنبه ۱۵ جوزا ظهور کرد وتاساعت یك ونیم بعد از ظهرشانزده‌جوزا ادامه‌داشت.

کارگران فابریکه نساجی گلبهار به تعقیب این اعتصاب ومطالبات‌قبلی خود مجدداً ساعت شش و نیم روز پنجشنبه در محلی بنام(نماز جای)در جوار فابریکه گلبهار اجتماع‌نمودند.

خبر میر ساند: طلاب وشاگردان لیسه میر مسجدی و متوسطه‌دهبالی مربوط مرکز کاپیسا بالتر تیب به کارگران پیوستند، گروه کارگران شاگردان راباشور ونشاط بی نظیر استقبال کردند .

آمیختن این دو موج نیرومند، دهقانان پراگنده رانیزبه حرکت‌آورد وتظاهرات عظیمی در حوالی گلبهار ایجاد کردند .

سیل خروشان صفوف کارگران، دهقانان، پیشه‌وران وشاگردان‌بسوی باغ عمومی گلبهار سرازیر گردید .

خبریال پرچم اطلاع مید هد که شعار های عمده تظاهر کنندگان را ضرورت همبستگی نیرومند طبقهٔ کارگر، دهقانان‌وروشنفکران تشکیل میداد .

کارگران‌در جریان تظاهر غریو می کشیدندکه:«زنده‌باد اتحاد طبقه کارگر و دهقان»، «پیروز باد نهضت‌کارگری»، «مرده باداستثمارگران»، «مرده باد ارتجاع، استبداد، استعمار وامپریالیسم»، «پیروزباد جوانان آگاه وپیشرو»، «متحد باد صفوف رزمندهٔ کارگران، دهقانان و روشنفکران» .

تظاهر شور انگیز و الهام بخش خلق کارگر تا ساعت یك وسی دقیقه بعد از ظهر پنجشنبه ادامه یافت .

کارگران وروشنفکران زندگانی غم‌انگیزوفلاکت‌بارخودرا شرح‌میکردند ویگانه راه نجات خود را در اتحاد نیرو های‌ملی‌ودموکراتیك وترقیخواه جامعه اعلام میکردند .

مطالبات عمدهٔ کارگران را افزایش دستمزد، کوپراتیف، شرایط بهتر کار، تقلیل ساعت کار در روز های پنجشنبه و بیمهٔ صحی برای‌خانواده های کارگران تشکیل میداد. درین تظاهرات در حدود ده هزار کارگر، دهقان وشاگرد اشتراك داشتند. در پایان اجتماع که بابیانات واشعار پر حرارتی توام‌بود، اشتراك کنندگان فیصله کردندکه بروز یکشنبه‌دوباره اجتماع مینمایند و مطالبات قانونی خود رابمقامات مربوط می سپارند.

خبریال پرچم می افزاید که‌ولسوال ورئیس فابریکه بعضی از مرتجعین محلی، متنفذین واربابان کوهستان‌را در گازنوی فابریکه‌دعوت‌دادند تاجلو مبارزات مسالمت آمیز وقانونی‌زحمتکشان رابگیرند، ولی‌ارادهٔ نشکستنی خلق وواقعیت های عینی وسرسخت جامعه عکس آنرا تثبیت کرد .

خبر میر ساند: طلاب‌میر مسجدی کوشش کردند شاگردان متوسطهٔ گلبهار را در اشتراك به مظاهره تشویق کنندولی‌اداره‌مکتب‌ازاشتراك طلاب‌مذکور جلو گیری بعمل آورد .

پرچم: اعتصاب‌واجتماعات‌باشکوه کارگران فداکار فابریکه نساجی گلبهار راکه‌بااتحاد دهقانان‌ستمدیده وشاگردان آگاه و مبارز لیسه میر مسجدی، در کمال همبستگی و هماهنگی، بانظم آگاهانه برای تامین مطالبات شان صورت گرفته، به‌گرمی استقبال میکند وبه مبارزه خویش در تاییدوپشتیبانی‌پیگیر ازین‌نهضت سالم وثمربخش جداً ادامه میدهد .